

معلمان آینده و آیند



نیازمند بازآرایی است تا علاوه بر استفاده از مزیت‌های آموزش سنتی بتواند از ظرفیت، کارآمدی و نوآوری جهان و ابزارهای دیجیتال بهره‌مند شود.

در دنیای آینده بیش از هر زمان دیگری «آموزش و یادگیری» از حصار تنگ و محدود مدرسه، کلاس و کتاب فراتر می‌رود. همین امر نظام‌های آموزشی را به انجام اصلاحات و تغییراتی در روش‌های گذشته آموزشی، تلاش برای اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهایی هم‌سو با تحولات اجتماعی و فرهنگی، و بهره‌گیری از فناوری‌ها، روش‌ها و بسترهای (پلتفرم‌های) نوین در امر آموزش و یادگیری ناگزیر می‌کند. در چنین شرایطی، نظام‌های آموزشی برخلاف گذشته از اتکای تام و تمام به کتاب، کلاس درس و حتی استاد و معلم، و منابع و محیط آموزشی عبور می‌کنند و بر مجموعه‌ای از رسانه‌ها و محیط‌ها، به‌عنوان بسته یادگیری و یاددهی، تأکید می‌کنند.

مدرسه‌های فردا دیگر با دانش‌آموزانی سروکار ندارند که اطلاعاتشان به خانه، مدرسه و گروه‌های هم‌سالان محدود باشد، بلکه دانش‌آموزان به منبع وسیعی از علوم و تجارب کسب‌شده به‌وسیله دیگران مجهز هستند که از طریق رسانه‌های جدید به

اهمیت روزافزون نقش معلمان به‌عنوان منابع و سرمایه‌های انسانی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. تغییر و تحولات جمعیتی و نسلی، و تحولات اجتماعی و فرهنگی، در کنار عواملی چون توسعه شتابناک فناوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، و به تبع آن، آغاز روند تغییر در پارادایم آموزش و از حاشیه به متن آمدن آموزش مجازی، به تغییر نیازهای فرهنگی و آموزشی حال و آینده معلمان و دانش‌آموزان، و به تبع آن، سیاست‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها، رسانه‌ها و محتوای آموزشی منجر خواهد شد. این همان موضوعی است که آموزش و پرورش ایران نباید نسبت به آن دچار غفلت شود. در چنین شرایطی اساساً آموزش و یادگیری در موقعیت پیچیده‌ای قرار گرفته است که از یک‌سو باید در پی حفظ و پاسداشت تجربه‌های طولانی بشری باشد و از دیگر سو به فهم نظام‌های پویای کنونی و توسعه تفکر انتقادی و حل مسئله بیندیشد.

در طول سال‌های اخیر، تعامل و درهم‌تنیدگی میان رویکردهای جدید یادگیری و شکل‌های متفاوت فناوری، الگوهای آموزش، یادگیری و تدریس در کلاس درس را با درجاتی از تغییر و تحول همراه کرده است. در نتیجه، جوامعی که درک درست و به‌هنگامی از این تحول دارند، استقبال بیشتری از رویکردهای نوین آموزش و یادگیری از خود نشان می‌دهند. با این رویکرد، هدف‌ها، سیاست‌ها، برنامه‌ها، روش‌ها و محتوای آموزش و یادگیری در شرایط پیچیده جهان کنونی

دوره معلمان

فریبرز بیات



شمار می‌رود. جای چنین نیازسنجی‌ای به‌طور جدی در برنامه‌ریزی‌های آموزشی ما خالی است. انتظار می‌رود با توجه به شتاب تغییر و تحولات فرهنگی و اجتماعی و جهش تغییرات پارادایمی در آموزش، نیازسنجی از معلمان و دبیران، به‌عنوان عنصرهای اساسی و راهبران آموزشی، در دستور کار برنامه‌ریزان نظام تعلیم و تربیت و به‌ویژه سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، دفتر انتشارات و فناوری آموزشی، شورای عالی آموزش و پرورش و دانشگاه فرهنگیان قرار گیرد.

دست آورده‌اند. معلم در چنین شرایطی باید از وسایل ارتباط جمعی که اکثراً دارای محتوای چندرسانه‌ای و هوش مصنوعی هستند و بازده قابل توجهی دارند، استفاده کنند. به همین دلیل معلمان باید به‌طور مداوم به دنبال روزآمدسازی دانش و مهارت‌هایشان باشند و توسعه حرفه‌ای خود را بهبود بخشند. معلمان به‌عنوان عنصر اصلی هر نظام آموزشی، در کنار عناصر دیگری چون منابع و محتوای آموزشی، محیط بیرونی و شرایط اجتماعی و فرهنگی، در تحقق هدف‌ها و برنامه‌های آموزشی نقشی اساسی دارند. معلمان با اجزای دیگر نظام آموزشی و نیز محیط پیرامون نظام و تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی، در تعامل و کنش و واکنش دوسویه هستند. آن‌ها در عین اثرگذاری بر محیط درون و بیرون، متقابلاً از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند. از چنین منظری، نقش و کارکردهای معلمان نیز تحت تأثیر این کنش و واکنش‌ها و تحولات اجتماعی و فرهنگی دچار تغییر و تحول خواهد شد.

تکثر منابع اطلاعاتی و دانش و سهولت دسترسی به آن‌ها از یک‌سو، و تحول نیازها، نگرش‌ها و علاقه‌ها، رویکردها و روش‌های آموزش و تدریس و نیز از حاشیه به متن آمدن آموزش مجازی و روند آینده آن از سوی دیگر، نقش‌ها و کارکردها و به تبع آن دامنه و گستره نیازها و علاقه‌های معلمان را دگرگون خواهد کرد. این روند در آینده شتاب و ابعاد گسترده‌تری نیز به خود خواهد گرفت.

از همین رو و در چنین شرایطی، شناخت نیازهای آموزشی، فرهنگی و اجتماعی معلمان برای هر نظام آموزشی یادگیرنده و آینده‌نگرانه‌ای اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. نیازسنجی از گام‌های مهم و پیش‌نیاز تنظیم برنامه‌های آموزشی و تدوین محتوای فعالیت‌های درسی است و به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی و ضروری فرایند برنامه‌ریزی آموزشی و فرهنگی به